

ترجمه و نقش کلیدی آن در ارتباطات علمی- فرهنگی ایران و سوریه

علی خیاط* / رضا عرب بافرانی**

چکیده

ترجمه نقش مهمی در راستای انتقال دانش و فرهنگ میان دو زبان ایفا می‌کند. با توجه به این اهمیت و نیز جایگاه دو کشور ایران و سوریه در تولید دانش و فرهنگ و تبادلات فرهنگی و علمی موجود میان آن‌ها، انتقال فرهنگ و دانش به شکل صحیح ضروری است؛ زیرا ترجمه‌ی نادرست در بسیاری از مواقع می‌تواند تبعات منفی جبران‌ناپذیری به بار آورد. ما در این پژوهش با شیوه‌ی توصیفی- تحلیلی و بررسی کتابخانه‌ای به بررسی اهمیت و نقش ترجمه و جایگاه آن در ارتباطات علمی و فرهنگی دو کشور ایران و سوریه پرداخته‌ایم. ضروری می‌نماید با توجه به پیوند عمیق میان دو کشور و ضرورت انتقال دانش و فرهنگ میان آن‌ها مرکزی در راستای ساماندهی و کمک به توسعه‌ی ترجمه هدفمند تشکیل گردد.

کلیدواژه‌ها: ترجمه، ایران و سوریه، ارتباطات علمی- فرهنگی، مرکز ترجمه

* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد (ایران) (khayyat313@gmail.com)

** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد (ایران)

مقدمه

مجموعه‌ی دانش‌ها، نگرش‌ها، عادات، رسوم، و ... که شکل‌دهنده‌ی فرهنگ یک جامعه می‌باشند علاوه بر آنکه نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت فردی دارند، موجب انسجام اجتماعی و یکپارچگی ملی و حتی وحدت نوع بشر می‌باشد و به همین سبب وایت کارکرد فرهنگ را ایمن و با دوام ساختن زندگی نوع بشر می‌داند.^۱ فرهنگ با تمامی زیرمجموعه‌های خود از طریق ابزارهای گوناگون همچون زبان منتقل می‌گردد. درواقع زبان و فرهنگ مقوله‌های لاینفکی هستند. بی‌شک زبان ابزار برقراری ارتباط و فرهنگ تعیین‌کننده بنیاد این ارتباط می‌باشد. به نظر حاجی رستم‌لو فرهنگ نه تنها معین می‌کند که چه کسی با چه فرد دیگر ارتباط برقرار کند، بلکه همان فرهنگ است که مشخص می‌کند آن‌ها درباره‌ی چه چیز باید صحبت کنند و در اصل چگونه این صحبت باید انجام گیرد. همچنین همان فرهنگ، معین می‌کند که طرفین در چه شرایطی، چه محتوای زبانی را و در چه قالبی به کار ببرند.

از جمله ابزارهای زبانی در راستای ارتباط ترجمه است. ترجمه، فرهنگ و تمدن ارتباطی در راستای تبادل دستاوردهای بشری در جهت پیشرفت و توسعه انسانیت است. در واقع ترجمه ابزاری است فعال که ارتباط میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را شکل می‌دهد و در جهت نشر فرهنگ نمی‌توان از آن بی‌نیاز بود. در طول تاریخ و در میان ملت‌های گوناگون، از مهم‌ترین وسایل انتقال دانش و معرفت و پیشرفت در حوزه‌های مختلف بوده است.

ترجمه در عرصه‌های گوناگون زبانی، معرفتی و فکری نقش اساسی ایفا می‌کند؛ اما نقش ترجمه در عرصه معرفتی، در انتقال معارف، دستاوردهای فکری و علمی و ادبی و فرهنگی در میان زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف نمود می‌یابد.

شایسته است اشاره کنیم که اهمیت ترجمه از قرآن کریم نیز قابل برداشت است؛ زیرا مردم به‌صورت قبیله‌ها و مردمان مختلف با زبان‌ها و عادات گوناگون آفریده شده‌اند و

^۱ مراجعه کنید به مقاله‌ی «تأملی بر مناسبات فرهنگ، زبان و آموزش زبان»، نوشته‌ی عبدالحمید رضوی، نشریه‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، بهار ۱۳۹۲، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۳۰، ص: ۱۶.

خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافَ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ﴾^۱ و از سوی دیگر ملّت‌ها نیازمند شناخت یکدیگرند، همان‌گونه که خداوند فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾^۲. ما مسلمانان نیز حامل پیامی جهانی هستیم و می‌خواهیم آن را به تمامی ملت‌های عالم انتقال دهیم. بنابراین در راستای این هدف مهم، فراگیری زبان آن‌ها در کنار ترجمه‌ی کتاب‌های مختلف فقهی و تفسیری و اعتقادی و ... که حقیقت تمدنی ما را به دور از تعصب بیان خواهد نمود، برای ارتباط ضروری خواهد بود.

بنابراین ترجمه قدر مشترک تمامی تمدن‌ها و ملّت‌هاست و هیچ امتی و تمدنی را نمی‌توان یافت که از دیگری چیزی نگرفته باشد و ترجمه است که به‌عنوان پلی در طول تاریخ پیوند میان تمدن‌ها و ملّت‌ها را برقرار نموده و ارتباط و تلاقی تمدنی و فرهنگی را تقویت کرده و پنجره‌ی علم، معرفت، فرهنگ و تمدن را به روی دیگر ملّت‌ها گشوده است.

گفت‌وگوی فرهنگی و نقش ترجمه

گفت‌وگو از قدیم و به اندازه تاریخ وجود بشر بر روی کره خاکی وجود داشته و خواهد داشت و در بسیاری از اوقات همین گفت‌وگو معرفت، ارتباط با دیگران و حلّ اختلافات و درگیری‌ها را به دنبال خواهد آورد. در واقع گفت‌وگو رسالتی دارد ملّی، قومی و انسانی؛ رسالتی مشترک برای دریافت فرهنگ و تمدن و برای آنکه گفت‌وگو با دیگری که از نظر زبانی و فرهنگی و دینی با ما متفاوت است، شکل بگیرد، ابزار ترجمه مفید و اثرگذار خواهد بود. بدون شک ما امروزه نیازمند فهم دیگران هستیم تا بتوانیم اندیشه و ادبیات خود و پایه‌های اعتقادیمان را که خارج از چهارچوب روزگارمان نخواهد بود به دیگری انتقال دهیم. و ترجمه در این میان پلی برای ایجاد پیوندی استوار میان ما و دیگری خواهد بود.

^۱ سوره‌ی روم (۳۰): ۲۲.

^۲ سوره‌ی حجرات (۴۹): ۱۳.

ترجمه و نقش آن در فراگیری زبان‌های دیگر

تاریخ بشریت همیشه شاهد ارتباط میان ملت‌ها در زمینه‌های مختلفی چون: تجارت، فرهنگ، علوم یا حتی در حوزه‌ی جنگ و به‌واسطه‌ی نامه‌نگاری‌ها بوده است. این ارتباط دوسویه زمانی محقق خواهد شد که دو طرف زبان همدیگر را به‌خوبی فراگرفته باشند. از این روی، فراگیری زبان خارجی در راستای ارتباطات علمی، فرهنگی، سیاسی، و ... به‌عنوان یکی از سیاست‌های تربیتی-آموزشی در جوامع مختلف تعریف خواهد شد؛ زیرا زبان ابزار مهمی است برای گفت‌وگو و ارتباط فرهنگی دوسویه. زبان عاملی است برای برقراری ارتباط نزدیک میان ملت‌ها و وسیله‌ای برای فهم فرهنگ دیگری و تأثیر در عقل و خرد او. درحقیقت زبان کلید فرهنگ و شناخت ملت‌ها از همدیگر خواهد بود. اهمیت فراگیری زبان خارجی نیز به این دلیل خواهد بود که گامی است در راستای ترجمه و در جهت برقراری ارتباط فرهنگی میان تمدن‌های مختلف.

جای شک نیست که شکوفایی و پیشرفت تمدنی و فرهنگی بشر تا حدّ فراوانی مرهون زحمات و کوشش‌های مترجمانی است که حاصل تلاش‌ها و دستاوردهای صاحبان علم و اندیشه و تفکرات اندیشمندان فرهنگ‌های مختلف را به دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها منتقل می‌کردند. شاید به نظر آید در شرایط کنونی و با گسترش وسایل ارتباط جمعی چاپی و الکترونیکی، مترجمان در مقایسه با گذشته، در برقراری ارتباط و گفت‌وگوهای جاری میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و انتقال علم و فناوری، هنر، آداب و رسوم ملل مختلف و ... به دیگر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها نقش کم‌رنگ‌تر و کم‌اهمیت‌تری داشته باشند؛ اما درواقع چنین نیست و شواهد، گویای چیز دیگری است. جایگاه ترجمه و مترجم البته به‌گونه‌ای متفاوت، بسیار پررنگ‌تر و بااهمیت‌تر از گذشته شده است.

در جهان کنونی که درواقع دهکده‌ی جهانی بر آن نام نهاده شده است، به‌سبب نیاز همگانی به فراگیری و تبادل اطلاعات و نیز سرعت روبه‌رشد تولید علم و فناوری و نیز توسعه‌ی گفت‌وگوهای فرهنگی، علمی، سیاسی و .. میان فرهیختگان، دولتمردان و

صاحبان علم و اندیشه و ... در تبادل اطلاعات با همتایان خود در دیگر کشورها نقش فراگیری زبان دیگر و به‌نوعی ترجمه نمود بیشتری دارد.

ماهیت فرهنگی ترجمه

بی شک فرهنگ و ترجمه رابطه‌ی دوسویه‌ی تنگاتنگی دارند. این ارتباط و اهمیت آن را می‌توان در کلام بسیاری از محققان مشاهده نمود. آنان بر این باورند که ترجمه ماهیتی فرهنگی دارد. توری ترجمه‌ها را حقایق فرهنگ‌های مقصد می‌داند؛ زیرا این فرهنگ‌ها هستند که ترجمه‌ها را می‌پذیرند و هر نقش و هویتی که ترجمه‌ها داشته باشند، جزء همان فرهنگ می‌باشند و نظام همان فرهنگ را منعکس می‌کنند. عذب-دفتری ویژگی‌ها و ارزش‌های فرهنگی را تعیین‌کننده‌ی پایه‌ها و اصول فرآیند ترجمه می‌داند. ایویر در تأیید ماهیت فرهنگی ترجمه معتقد است که ترجمه خود روشی است برای ایجاد ارتباط میان دو فرهنگ. هاشمی بر این عقیده است که چهارچوب‌های فرهنگی زمینه‌ساز و هدایت‌کننده‌ی فرآیند ارتباط انسانی در ترجمه هستند. نایدا زبانشناس و نظریه‌پرداز ترجمه، بر مبنای مطالعه‌ی قلمروهای فرهنگی چنین نتیجه می‌گیرد که زمینه‌های فرهنگی، شرایط جامع تعاملات ارتباطی انسانی و سرانجام ماهیت ترجمه را تعیین می‌کند. ریساگر در کتاب خود با عنوان *زبان و فرهنگ* معتقد است که زبان فرهنگ است و فرهنگ زبان و آن دو از هم جدایی‌ناپذیر بوده و نماد یکدیگرند. همچنین از نظر آرمسترانگ زبان وسیله‌ای برای انعکاس مفاهیم فرهنگی می‌باشد و مفاهیم فرهنگ-وابسته نیز در اجزا و عناصر زبانی رمزگذاری می‌شوند. سایمون در رابطه‌ی میان ترجمه و فرهنگ نگرشی جهانی اتخاذ می‌کند و معتقد است که ترجمه‌ها بستر جهانی‌شدن فرهنگ را فراهم می‌کند و آن را به چهارراهی برای گفت‌وگو میان ملت‌ها مبدل می‌سازد. انسان‌ها از طریق ترجمه به مطالعه و بررسی دیگر فرهنگ‌ها پرداخته و نقاط قوت و ضعف آن‌ها را کشف می‌کنند و با ابعاد گوناگون فرهنگ خویش مقایسه می‌نمایند و در نتیجه نگرش‌ها، عادات،

آداب و رسوم آنان دچار تحول و دگرگونی می‌شود و سرانجام ماهیت فرهنگ تغییر می‌یابد.^۱

بنابراین می‌توان گفت که نقش مترجم در حوزه انتقال فرهنگ و دانش اهمیت دو چندان دارد. اگر مترجم مسأله‌ی فرهنگ را ساده انگارد و آن را در حیطه وظیفه خود نداند و درک آن را بر عهده خواننده یا شنونده بگذارد، در واقع مسئولیت خود را نیمه‌کاره رها کرده است. در واقع مترجم مسئول است تا از پیام‌رسانی درست به خواننده اطمینان حاصل کند و جایی برای ابهام باقی نگذارد.^۲

فرهنگ و چالش‌های ترجمه‌ی فرهنگی

چالش‌هایی که در حوزه‌ی ترجمه فرهنگی با آن روبه‌رو خواهیم بود از چند جنبه قابل بررسی است:

- ابتدا اینکه دوره‌های تخصصی آموزش ترجمه‌ی علمی و فرهنگی و رشته‌ی مطالعات ترجمه در کشور و در مقایسه با حجم وسیع ارتباطات فرهنگی ایران و دیگر کشورها بسیار اندک است. همچنین وجود مترجمان بازاری خود باعث شده آثار ترجمه‌شده دقیق نبوده و شکل مکانیکی به خود بگیرد و چنان‌که مترجمان فرهنگی متخصص و کارآزموده تربیت نشوند، ترجمه‌ی بازاری غیرفرهنگی جای ترجمه‌ی فرهنگی را خواهد گرفت و علاوه بر اینکه جوابگوی نیاز جامعه نیست، می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات جدی در حوزه‌ی انتقال دانش و فرهنگ توسط افرادی غیرمتخصص باشد.

- استفاده صرف از واژه‌نامه‌های دوزبانه چالش دیگری است که باعث انحراف مسیر ترجمه و فاصله گرفتن آن از ملاحظات فرهنگی می‌شود. چرا که بسیاری از این واژه‌نامه‌ها، توضیحی در مورد کاربرد فرهنگی آن واژگان ارائه نمی‌دهند. لذا مترجم

^۱ برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به مقاله‌ی: «تعامل فرهنگ، زبان، و ترجمه-رویکردی انسان شناختی: کاربردهای آموزشی و پژوهشی در مطالعات بین فرهنگی و بین زبانی»، نوشته‌ی علی محمد محمدی، فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه (دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی)، شماره‌ی سوم، زمستان ۱۳۸۹ صص ۸۱-۱۰۵.

^۲ مراجعه کنید به مقاله با عنوان: «جایگاه فرهنگ در ترجمه»، نویسنده: قاسم قنبری خانقاه، مجله علوم انسانی، سال شانزدهم، شماره ۷۲، صص: ۱۸۹-۲۱۲.

باید کاربرد فرهنگی واژگان را در دو زبان مبدأ و مقصد به خوبی بشناسد تا بتواند پیام متن را به خوبی درک و آن را به شکل صحیح انتقال دهد.

از دیگر چالش‌ها می‌توان به ناآشنایی یا کم‌آشنایی برخی مترجمان با فرهنگ و ادبیات زبان مقصد اشاره نمود. مترجم خوب باید علاوه بر فرهنگ زبان مبدأ، با فرهنگ زبان مقصد نیز در سطح عالی آشنایی داشته باشد و روشن است که دانستن یک زبان به‌عنوان زبان مادری نمی‌تواند به معنای آشنایی با فرهنگ آن زبان باشد.^۱

از دیگر چالش‌های جدی در حوزه‌ی فرهنگ و ترجمه می‌توان به تهاجم فرهنگی اشاره نمود. مترجم باید با هوشیاری و آگاهی از مسائلی که در حیطه‌ی فرهنگ در جریان است سعی کند در انتخاب اثر و در جریان ترجمه مراقب اثرگذاری فرهنگی منفی و نامطلوب آن بر فرهنگ باشد و مواظب باشد دستاویزی برای اجرای سیاست‌های غلط برخی در داخل و یا خارج جامعه نباشد.

ترجمه در ایران پس از انقلاب اسلامی^۲

در واقع باید «ایران پس از انقلاب اسلامی را مبدأ آغاز یک نهضت جدید در ترجمه تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی دانست. حرکتی که با نهضت اسلامی همراه بود و به‌عنوان یک شاخص برتر و عامل مؤثر در روابط فرهنگی بین‌المللی شناخته شد و کارکرد خود را نشان داد. ایران پس از انقلاب برای اثبات هویت و توانمندی فکری و فرهنگی و پایه‌ریزی حرکت و نهضتی فرهنگی و برای ایجاد و توسعه‌ی پل‌های ارتباطی با جهان و گفت‌وگوهای فرهنگی، نیازمند آن بود که در امر ترجمه سرمایه‌گذاری کند و شاید بهتر بتوان گفت که این ترجمه بود که به سراغ ایران آمد تا جهان را به خود نزدیک کند و خود را نیز به جهان بنمایاند.

این موقعیت ممتاز باعث شد تا با درک شرایط و اقتضائات جهانی و ضرورت ترویج

^۱ مراجعه کنید به مقاله‌ی «جایگاه فرهنگ در ترجمه»، نوشته‌ی قاسم قنبری خانقاه، مجله علوم انسانی، سال شانزدهم، شماره‌ی ۷۲، صص: ۲۱۰-۲۱۱.

^۲ برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به مقاله‌ی «نقش ترجمه در ارتقای روابط فرهنگی ایران در عرصه‌ی بین‌المللی» به شماره‌ی ۶۶۵۳۲۸ در سایت: <http://www.icro.ir>

ترجمه و نقش کلیدی آن در ارتباطات علمی-فرهنگی ایران و سوریه

آموزه‌های دینی، حرکت نوینی در این زمینه آغاز شود.

اگر ترجمه متون دینی و تبلیغی را به بعد از انقلاب اسلامی نسبت می‌دهیم، این به معنای آن نیست که پیش از آن گذشته‌ای نداشته است؛ بلکه به معنای آن است که این موضوع تحت تأثیر شرایط انقلاب چنان برجسته شد که اینک می‌تواند موضوع تحقیق میدانی محققان قرار بگیرد و نتایج آن نمایانده شود.

تجربه دولت در ایران و حضور آن در میدان‌های فکری و علمی جهان با برخورداری از میراث و ذخایر عظیم مکتوب علمی و فرهنگی متفکران اسلامی، زمینه‌ای شد تا هم تولید اندیشه در ایران رشد کند و هم انتقال آن. بر این اساس پس از انقلاب اسلامی، ترجمه و انتشار کتاب و نشریات با هدف نشر علوم و فرهنگ و تمدن اسلامی برای گسترش تبادل فرهنگی با سایر کشورها در جریان فعالیت‌های علمی فرهنگی قرار گرفت.

احیاء و گسترش اندیشه و معارف اسلامی و ادبیات ایران، گسترش مناسبات فرهنگی با ملل و ادیان و اقوام دیگر و همچنین پاسخ به آراء متضاد و شبهات نسبت به اسلام و مسلمانان از جمله اهداف جزئی‌تر ترجمه و انتشار آثار مکتوب در ایران بود.

با تولید آثار فاخر در حوزه‌های گوناگون علمی و فرهنگی، جریان ترجمه چه به صورت خودجوش و چه با اراده‌ی مسئولان فرهنگی توسعه یافت؛ در این ارتباط موسسه‌های فراوانی در داخل و خارج از کشور تشکیل شدند که فعالیت آن‌ها با اقبال مخاطبان و رسانه‌های جهانی روبرو و باعث شد که از همان سال‌های آغازین انقلاب، به دستاوردهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران توجه شود؛ به‌ویژه اندیشه‌های امام خمینی (ره) با ادبیات همه‌فهم و نیز آثار دیگر متفکران اسلامی همچون شهید مطهری سبب شد که بسیاری از مطبوعات بین‌المللی و افکار عمومی جهان، به آن واکنش نشان دهند و دیدگاه‌های موافق و مخالف خود را ابراز کنند.

طلاب هندی و پاکستانی شاغل به تحصیل در حوزه علمیه قم در این زمینه پیش‌تاز شدند و کتاب‌های بسیاری از متفکران ایرانی را به زبان اردو برگرداندند. ترجمه‌ی

قرآن کریم و نهج البلاغه و صحیفه‌ی سجادیه که بی‌سابقه هم نبود، مورد توجه و بازنگری بیشتر فضلا‌ی شبه قاره قرار گرفت.

جهان عرب به‌واسطه‌ی ترجمه دریافت که جمهوری اسلامی ایران اندیشه‌های سترگی به زبان فارسی دارد؛ این جهان کم و بیش با فرهنگ اسلام و ایران آشنا بود؛ اما این آشنایی دو چندان شد. ترجمه‌ی آثار ادبای ایرانی در جامعه‌ای مانند مصر باعث شد که ادبای مصری، به‌خصوص فارسی‌آموزان دانشگاه‌های مصر به ترجمه‌ی آثار ایرانی ترغیب شوند. لبنان که مرکزی برای نشر معارف اسلامی بوده و هست، محلی برای ترجمه و نشر از زبان فارسی به عربی شد. کشورهای عربی حوزه‌ی خلیج فارس با ادبیات ایران آشنایی بیشتری یافتند و سایر ممالک عربی مانند سوریه با ایران تاریخی و اسلامی دیگری روبه‌رو شدند.

ترجمه ابزاری در راستای خدمت به فرهنگ مقاومت

ایران و سوریه به‌عنوان دو کشور خاورمیانه‌ای غیر همسایه توانسته‌اند در چند دهه‌ی اخیر بیشترین هماهنگی‌ها را در روند تحولات منطقه‌ای و جهان اسلام کسب نمایند و به‌عنوان الگویی برای دیگر کشورهای آزادی‌خواه و مقاومت طلب مطرح شوند.

بدون شک فرهنگ مقاومت وجه اشتراک اصلی فرهنگی ایران و سوریه است و مردم دو کشور با تمام وجود آن را ثابت کرده‌اند. مقاومت سوریه در مسیر دفاع و حماسه‌آفرینی خود درس‌های بسیاری از مقاومت ایران گرفته و خواهد گرفت. همان‌گونه که محمد الأحمد وزیر فرهنگ سوریه گفته است: «وقتی به موفقیت‌های بزرگ جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های فرهنگی نگاه می‌کنیم فقط باید این را بگوییم که دنیا به قدرت فرهنگی ایران دارد اعتراف می‌کند». وزیر فرهنگ سوریه آمیخته‌شدن خون جوانان دو کشور را در دفاع از جبهه مقاومت باعث همدلی و نزدیکی بیشتر مردم دو کشور دانست و افزود: «مردم ایران همواره در دل‌های ما جای خواهند داشت و آنچه در دل‌های ما می‌ماند فراتر از آن است که به زبان می‌آوریم.»^۱

^۱ <https://www.isna.ir/news>.

یقیناً، ترجمه از ابزارهای مهم انتقال فرهنگ والای مقاومت میان ملت ایران و سوریه خواهد بود و اهمیت و والایی چنین فرهنگی ضرورت توجه به ترجمه را دوچندان خواهد نمود، تا بتوان با وجود مترجمان کارآزموده راه را برای انتقال فرهنگ میان دو کشور جهت هم‌سویی و هم‌گرایی بیشتر و در راستای دستیابی به اهداف مشترک هموار نمود.

نتیجه‌گیری

خلاصه‌ی سخن آنکه ترجمه روندی است که گریزی از آن وجود ندارد. در واقع ترجمه پلی است ارتباطی میان اقوام و ملت‌ها و محرک اساسی در همگرایی و ارتباطات میان فرهنگ‌ها که در راستای پیشرفت و توسعه و تبادل افکار و دستاوردها عمل می‌کند. بنابراین در راستای دستیابی به گفت‌وگو و تبادل فرهنگی و علمی نیازمند ترجمه‌ای جدی و فعال هستیم؛ به‌خصوص آنکه ما در عصر جهانی‌سازی زندگی می‌کنیم و نمی‌توانیم در گوشه‌ای بی ارتباط با دنیای بیرون زندگی کنیم. باید اشاره کنیم که ترجمه ابزاری است مهم در راستای ترویج و شناساندن فرهنگ انقلاب شکوهمند اسلامی به دیگر کشورها به‌خصوص سوریه و در جهت معرفی فرهنگ مقاومت نقش کلیدی داشته و دارد. بنابراین ضروری است در این حوزه با تربیت نیروهای متخصص و متعهد و نیز ایجاد مراکز و برگزاری دوره‌های آموزشی زمینه را برای ترجمه‌ی بهتر و اثرگذاری درست و صحیح در حوزه‌ی فرهنگ و دانش فراهم آورد. و بی‌شک ترجمه می‌تواند زمینه را برای همدلی و ارتباط قوی‌تر میان ملت‌های مختلف به‌خصوص ایران و سوریه فراهم نماید اگر این ابزار به نحو صحیح و در دست افرادی متخصص و کارآزموده قرار گیرد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱- حاجی رستم‌لو، قدرت‌اله، (۱۳۸۵)، «رد پای تهاجم فرهنگی در کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی»، فصلنامه‌ی مصباح، آذر و دی، شماره‌ی ۶۶، تهران.

- ٢- رضوی، عبدالحمید، «تأملی بر مناسبات فرهنگ، زبان و آموزش زبان»، نشریه‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، بهار ۱۳۹۲، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۳۰.
- ٣- عزب‌دفتری، بهروز، (۱۳۷۵). «درباره تحلیل روانشناختی فرآیند ترجمه». مترجم. شماره‌ی ۲۱، ۱۳-۷.
- ٤- قنبری خانقاه، قاسم، «جایگاه فرهنگ در ترجمه»، مجله علوم انسانی، سال شانزدهم، شماره‌ی ۷۲، صص ۱۸۹-۲۱۲.
- ٥- نایدا، یوجین، نقش مترجم، ترجمه سعید باستانی، نشر دانش، خرداد و تیر ۱۳۶۵، شماره ۳۴.
- ٦- هاشمی، محمد حسین، (۱۳۶۹). «عناصر فرهنگی-اجتماعی در ترجمه رهیافتی مردم‌شناختی».

7- <http://www.icro.ir>

8- <https://www.isna.ir/news>